

تربیت اقتصاددان در دانشکده های اقتصاد ایران^۱

محمدرضا فرهادی پور^۲، مهدی حسن جانی^۳

به نظر نمی رسد که مطالعه اقتصاد نیازمند هیچگونه استعداد خاص غیر معمول و خارق العاده ای باشد... با این حال اقتصاددان های خوب و شایسته از نوادر روزگار هستند. موضوع ساده ای که در آن، تنها تعدادی ممتازند. احتمالا علت این تناقض در آن است که اقتصاددان شایسته می بایستی از ترکیبی از استعدادهای نادر برخوردار باشد. او باید به سطح بالایی از استاندارد در چندین مسیر متفاوت برسد و ترکیبی از استعدادهای او که اغلب با هم دیده نمی شوند، داشته باشد. او باید تاحدی ریاضی دان، تاریخ دان، سیاستمدار و فیلسوف باشد. او باید علائم را درک کند ولی با کلمات حرف بزند... او باید شرایط حاضر را در سایه گذشته برای مقاصد آینده مطالعه نماید. هیچ بخشی از طبیعت انسان یا نهادهای انسانی نباید خارج از چارچوب ملاحظات او قرار گیرد. او باید هدفمند و نسبت به هوی و هوس بی علاقه همانند یک فرد گوشه گیر و عزلت گزین و فساد ناپذیر همانند یک تصویرگر نقاش باشد اما با این احوال، گاهی اوقات همانند یک سیاستمدار خاکی (واقع گرا) باشد" (کینز، ۱۹۳۳).

چکیده

کسانی از ما که توضیحات کینز را در مورد اقتصاد و اقتصاددانان می پذیرند ممکن است بر این سوال تاکید نمایند که چه نوع آموزشی اقتصاددان خوب را پرورش می دهد؟ دانشکده های اقتصاد محل تولید اقتصاددانان هستند؛ این بنگاه های تولید اقتصاددان دارای ویژگی های خاصی همانند نیروی انسانی، فن آوری پیش رو و بازارهای داخلی می باشند.

بدون شک این بازار نیز دو طرف عرضه و تقاضا دارد. البته در ایران بیشتر وضعیت بخش تقاضا مورد بررسی قرار می گیرد و عمدتاً این گله مندی وجود دارد که تقاضا برای کارشناسان اقتصادی کم و ناچیز است. اما بخش عرضه و عرضه کنندگان این بخش کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند. برآستی دانشکده های اقتصاد ایران کالاهای تولیدی خود و به طور مشخص دانشجویان و اقتصاددانان خود را چگونه پرورش می دهند؟

در این مقاله که به صورت میدانی و از طریق پرسشنامه صورت گرفته است چگونگی تولید و تربیت یک اقتصاددان در ۹ دانشکده اقتصاد ایران (تهران، علامه طباطبائی، شریف، شهید بهشتی، تربیت مدرس، الزهرا، امام صادق، فردوسی مشهد و شیراز) مورد بررسی قرار گرفته است.

^۱. لازم است در ابتدا از دیوید کلندر به خاطر راهنمایی های ارزنده او در انجام این کار تحقیقاتی و همچنین مقالات و پرسشنامه های که در اختیار ما گذاشت، از آقای محمد مالجو که در بومی سازی این پرسشنامه و تطبیق آن با شرایط دانشکده های اقتصاد ایران به شدت به ما کمک کرد، از خانمها ندا رئیس، مینا کاموئی از دانشگاه الزهرا و گل آرا ایزدی از دانشگاه شیراز و آقایان یاشار حیدری از دانشگاه شریف و ابودر سالاری از دانشگاه شهید بهشتی کمال تشکر و قدردانی را ابراز نماییم.

^۲. پژوهشگر (mohammadreza_farhady@yahoo.com).

^۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران (m.hasanjani@gmail.com)

این مطالعه ضمن مطرح کردن پرسشهایی از دانشجویان ترم سوم، چهارم، پنجم یا ششم کارشناسی ارشد در مورد عوامل موفقیت آنان در رشته اقتصاد، میزان علاقه‌مندی آنان به دروس ارائه شده و تطابق آنها با سلیقشان، اهمیت شناخت از اقتصاد ایران و مکاتب اقتصادی مورد نظر آنها، اقتصاددانان خارجی و داخلی مورد علاقه آنها، به بررسی نظرات آنها در خصوص وضعیت علم اقتصاد (برای مثال در حوزه اقتصاد دستوری و اثباتی)، ابزارهای سیاستی در اقتصاد و تناسب آنها با شرایط ایران و بکارگیری فروض اقتصادی در هنگام تحلیل مسائل مختلف می‌پردازد. این مقاله می‌کوشد از رهگذر پاسخهای این گروه به سوالات مطرح شده در پرسشنامه به برخی تمایزهای موجود در این ۹ دانشکده اقتصاد بپردازد. چالشهایی جدی نیز در نظرات برخی از دانشجویان در مورد علم اقتصاد وجود دارد که برخی تاکید بیش از حد بر ریاضیات و تکنیک را مضر می‌دانند و برخی نیز آن را مفید تلقی می‌کنند. دانشجویان در مورد عوامل موفقیت خود بر موارد مختلفی تاکید می‌کنند و نکته جالب توجه این است که داشتن دانش گسترده در زمینه ادبیات اقتصادی را هم در این زمینه چندان ضروری نمی‌دانند. اغلب معتقدند که برنامه تحقیقات اقتصادی ایران باید مختص ایران بوده و با سایر نقاط جهان متفاوت باشد. البته این مقاله بیشتر به دنبال توصیف داده های بدست آمده از این پژوهش بوده و تنها در مواردی به بررسی آرای ارائه شده می‌پردازد.

۱- مقدمه

اقتصاددانان، اقتصاددان متولد نمی‌شوند، بلکه آنها دانشجویانی هستند که پس از ورود به دانشکده‌های اقتصاد از طریق آموزش‌های رسمی و غیر رسمی شکل می‌گیرند. این دوره های آموزشی در دانشکده‌های مختلف اقتصاد است که رویکرد دانشجویان و در نهایت همان اقتصاددانان را برای برخورد با مسائل و مشکلات مختلف اقتصادی تعیین می‌کند که همین امر نیز بر سیاستگذاری‌های اقتصادی یک کشور تاثیر خواهد گذاشت. آموزش علم اقتصاد به طور آهسته و پیوسته در حال تغییر است و این تغییرات الگوی آموزشی از طریق دانشکده‌های اقتصاد صورت می‌گیرد. این دانشکده‌های اقتصاد، خصوصاً در دوران تحصیلات تکمیلی، بینش‌ها و طرز تفکر اقتصاددانان و کارشناسان اقتصادی یک جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهند. اقتصاددانان به فرآیندی که دانشجویان را تبدیل به اقتصاددانان حرفه‌ای می‌کند علاقه داشته و درباره آن دانش فردی دارند. ولی به جز برخی شواهد گفتاری، آمار و داده‌های چندانی در این زمینه وجود ندارد. این مقاله در پی روشن‌ساختن برخی از ابعاد این فرآیند است.

نظرات متفاوتی درباره تحصیلات تکمیلی در رشته اقتصاد وجود دارد، که بیشتر در جمع‌های خصوصی ابراز می‌شود. ولی معمولاً انتقادی‌ترین نظرات نمایان شده و در سطح وسیعی مطرح می‌شوند. به عنوان مثال، عبارت آلمانی که برای چنین فارغ‌التحصیلانی از مدارس و دانشکده‌ها به کار می‌رود، فشیدیوت یا

جهل رشته است و در فرانسه به آنها ایدیوتس ساوانتس^۴ یعنی فاضلان نادان می گویند. رابرت کاتر^۵ دیدگاه‌های اقتصاددانان منتقدی همچون واسیلی لئونتیف و جان کنت گالبرایت را اینگونه بیان می‌کند: "دانشکده‌های اقتصاد در حال تربیت نسلی از "دانشمندان احمق (فاضلان نادان)" هستند که در ریاضیات مربوط [به اقتصاد] بسیار درخشان و برجسته بوده با این حال چیزی از زندگی اقتصادی واقعی نمی‌دانند." مطالعه ما درباره تحصیلات تکمیلی، اطلاعاتی را برای ارزیابی چنین دیدگاه‌هایی فراهم می‌کند. اطلاعات درباره پرورش اقتصاددانان، اهمیت بسیاری برای رویکرد خطابه‌ای و جامعه‌شناختی به روش-شناسی اقتصادی دارد.^۶ تجربه تحصیلات تکمیلی، نقش مهمی را در تعیین گفتارهای^۷ اقتصادی بازی می‌کند؛ این تجربه، متخصص بودن اقتصاددانان را تضمین می‌کند، دیدگاه‌هایشان در مناظره را شکل می‌دهد و آنها را راهنمایی می‌کند که چه چیزی برای مطالعه اهمیت داشته و چه چیزی اهمیت ندارد. هر کس بخواهد مباحثات اقتصادی را به خوبی بفهمد، باید از فرآیند متخصص شدن اقتصاددانان، که در دوره تحصیلات تکمیلی رخ می‌دهد، درک مناسبی داشته باشد. البته این دوره در جامعه اقتصادی دانشگاهی ایران در دوره تحصیلات تکمیلی کارشناسی ارشد اتفاق می‌افتد.

ما با استفاده از اطلاعاتی که با توزیع پرسشنامه^۸ (ضمیمه الف) در میان دانشجویان ۹ دانشکده اقتصاد در ایران به دست آوردیم، به بررسی نظرات آنها درباره علم اقتصاد، وضعیت اقتصادی و دانشکده‌های اقتصاد

^۴ . Idiots Savants

^۵ . Robert Kuttner, 1985

^۶ Coats, 1985; Klamer, 1983; McCloskey, 1986; Whitley, 1984

^۷ . Discourse

^۸ . به علت وجود محدودیتهای موجود در دانشکده‌های اقتصاد ایران این پرسش نامه‌ها اغلب به صورت دستی ارائه و پر شده‌اند و بدون شک نتایج آنان دارای تورش می‌باشند. البته یکی از نکات اساسی مربوط به دانشجویان کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران این است که در اغلب موارد حس چندان قوی برای پر کردن پرسشنامه‌هایی از این دست را ندارند و معمولاً هم در مواردی می‌توان پرسش نامه پر شده را از نمونه آماری مورد نظر حذف کرد. برای انجام این پژوهش بیش از ۱۲۰ پرسش نامه به ۹ دانشکده اقتصاد ایران فرستاده شد که ۹۰ مورد آنها دریافت شد. از این میان هم ۷۸ مورد برای انجام این مطالعه انتخاب شدند. ۱۲ مورد حذف شده پرسشنامه‌هایی بودند که یا نیمه تمام مانده بودند یا تناقضات آشکار و در عین حال عجیبی در پاسخهای آنان وجود داشت. برای مثال دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، علیرغم ارسال پرسشنامه به این دانشکده، از مطالعه ما حذف شد چرا که در پایان تنها موفق به دریافت سه پرسشنامه شدیم که از کیفیت لازم هم برخوردار نبودند و با این تعداد هم نمی‌توان قضاوتی چندان صحیح ابراز داشت. در همین جا فرصت را مغتنم شمرده و پیشنهاد می‌کنیم که اگر دانشکده‌های اقتصاد ایرانی بتوانند آدرس اینترنتی دانشجویان خود در دوره کارشناسی ارشد اقتصاد را داشته باشند شاید از این طریق بتوان تاحدی انجام چنین کارهای مطالعاتی را تسهیل کرد. البته در مواردی که پرسشنامه از طریق استادان به دست دانشجویان می‌رسید جمع آوری آنها نیز آسان‌تر بود و همچنین دقت دانشجویان نیز در پاسخگویی به سوالات بیشتر بوده است. در پایان ذکر این نکته ضروری است که به علت تورش مذکور، نویسندگان این مقاله تنها به بیان اطلاعات آماری می‌پردازند و در مواردی هم که قضاوت‌هایی صورت می‌گیرد صرفاً تحلیل نتایج بدست آمده از این مطالعه می‌باشد و این نتایج به معنای وجود یک حکم قطعی در زمینه‌های مورد نظر نمی‌باشد.

می‌پردازیم. ۷۸ دانشجوی در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، علامه طباطبایی، بهشتی، شریف، تربیت مدرس، امام صادق، فردوسی مشهد، الزهراء و شیراز نمونه آماری ما را تشکیل می‌دادند. بررسی کامل جزئیات این تحقیق فراتر از حد یک مقاله می‌باشد. از اینرو، در اینجا بیشتر به آرایه اطلاعات به دست آمده می‌پردازیم و فقط در برخی موارد مقتضی، تفسیر و تحلیل این اطلاعات را بیان خواهیم کرد.

۲- مشخصات عمومی دانشجویان

این بررسی بر روی آن دسته از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد که در ترم های تحصیلی سوم، چهارم، پنجم یا ششم (یا بالاتر) تحصیل می‌کردند، صورت گرفت. می‌توان بر طبق این نمونه، یک دانشجوی نوعی اقتصاد را اینگونه تصویر کرد: یک خانم ۲۵ ساله، دارای دیپلم ریاضی-فیزیک، که دوره کارشناسی را با معدل ۱۷ پشت سر گذاشته و با رتبه ۱۴۰ وارد مقطع کارشناسی ارشد شده است. در واقع ۵۳٪ از دانشجویان مؤنث بوده و ۷۰٪ دیپلم ریاضی-فیزیک داشتند (تنها ۳.۵٪ از آنها دیپلم انسانی داشته‌اند)^۹. حدود ۸۲٪ از این افراد بلافاصله پس از دوره کارشناسی، وارد مقطع ارشد شده‌اند. بیشتر افرادی که بین دو مقطع آنها فاصله وجود داشت، مؤنث بودند؛ یکی از دلایل این امر را می‌توان در مسئله خدمت سربازی اجباری برای آقایان جستجو کرد^{۱۰}.

تنها ۴۶٪ از افراد به سؤال مربوط به تحصیلات پدر و مادر پاسخ دادند؛ در ۸۳٪ از موارد پاسخ داده شده، مادران دارای تحصیلات دیپلم یا زیر دیپلم بوده و در ۵۲٪ از موارد، پدران چنین وضعیتی را داشته‌اند. به ترتیب در ۲۵٪ و ۲۰٪ موارد نیز مادران و پدران دارای لیسانس بوده‌اند. در میان مادران هیچ مدرک کارشناسی ارشدی وجود نداشته و تنها ۱۷ درصد پدران دارای مدرک کارشناسی ارشد بوده‌اند. لازم به ذکر است که اغلب کسانی که به این سوال پاسخ ندادند مؤنث بودند.

۳- علایق دانشجویان

یکی از سؤالات بدین صورت طرح شده بود: «فرض کنید شما را به زمان انتخاب رشته در سالهای قبل بازگردانند، آیا باز هم کارشناسی ارشد اقتصاد را انتخاب خواهید کرد؟»؛ حدود ۸۰٪ از دانشجویان پاسخ مثبت به این سؤال دادند که این رقم می‌تواند نشانگر رضایت نسبی از این رشته باشد؛ ولی اینکه مبنای این رضایت در کجاست، جای تحلیل و بررسی عمیق‌تری دارد. باوجود اینکه علاقه به اقتصاد چنین رقم بالایی

باشد. پرسشنامه در ضمیمه الف مقاله پیوست شده است. البته در مواردی هم به اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه در این مقاله اشاره نشده است.
^۹. لازم به ذکر است که در خصوص حجم نمونه و تناسب آن با جامعه آماری و همچنین شرایط حاکم بر آن در ایران مشاوره‌های آماری لازم صورت گرفته است.
^{۱۰}. در واقع بر اساس برخی مصاحبه‌های محدود، مشخص شد که در بعضی موارد، هدف اصلی از ادامه تحصیل به تعویق انداختن خدمت سربازی بوده است.

دارد، رضایت از دانشکده‌های اقتصاد بطور قابل توجهی کمتر است؛ زیرا فقط ۵۳٪ دانشجویان از دانشکده‌های کنونی خود راضی هستند. بالاترین میزان نارضایتی مربوط به دانشگاه الزهرا است بطوریکه تنها ۱۰٪ از آنها در صورت وجود فرصت انتخاب مجدد، همین دانشگاه را بر می‌گزینند (البته این افراد از ابتدا تصمیم به انتخاب این دانشکده نداشته‌اند، زیرا در پاسخ به یک سؤال دیگر، ۹۰ درصد از آنها ابراز داشتند که در ابتدا دانشکده دیگری را انتخاب کرده بودند). به علاوه، به نظر می‌رسد که نرخ نارضایتی در دانشگاه‌های فردوسی مشهد و شیراز قابل توجه است. نکته جالب درباره دانشکده اقتصاد تربیت مدرس اینست که فقط ۱۰٪ از دانشجویانش در ابتدا قصد انتخاب این دانشکده را داشتند ولی رضایت کنونی آنها بیش از ۶۰٪ است. از سوی دیگر دانشجویان دوره کارشناسی ارشد شریف، تهران و علامه طباطبایی به شدت از وضعیت انتخاب خود راضی هستند و اکثریت قاطع از قبل قصد انتخاب همین دانشکده‌ها را داشته‌اند و دوباره هم اگر در مرحله انتخاب قرار گیرند به همین سه دانشکده می‌آیند. اما با این حال در مواردی دانشجویان اظهار نظرهای جالب توجهی داشته‌اند که به یک مورد آنها از دانشگاه شریف اشاره می‌کنم. دانشجویی از دانشگاه شریف: «اینجا اقتصاد فراموش شده است و تنها ریاضی درس می‌دهند». و بنابراین همین فرد اظهار داشته که اگر می‌توانست بار دیگر انتخاب رشته نماید به این دانشگاه نمی‌آمد. حدود ۷۵٪ از دانشجویان ابراز علاقه به ادامه تحصیل پس از دوره کارشناسی ارشد نمودند؛ فقط ۸ درصد از آنها قاطعانه اظهار عدم تمایل نموده و بقیه نامطمئن بودند. نکته جالب اینکه نزدیک به ۸۰ درصد از دانشجویان تمایل دارند که پس از اتمام تحصیلات، شغل دانشگاهی داشته باشند. در پاسخ به این سؤال که «شما امیدوار هستید که ۱۰ سال بعد کجا باشید؟»، تنها ۱۲ درصد بخش خصوصی را انتخاب نمودند (در دانشگاه‌های الزهرا، شیراز، فردوسی، و امام صادق هیچ کس تمایل به حضور در بخش خصوصی نداشت)؛ این نکته شاید بتواند تا حدی هم بدبینی متخصصین دانشگاهی نسبت به بخش خصوصی را بیان نماید. نزدیک به ۸۲٪ از افراد، دانشگاه یا یک نهاد سیاست‌گذاری را انتخاب کردند. به نظر می‌رسد که تمایل به حضور در یک نهاد سیاست‌گذاری در دو دانشگاه شریف و امام صادق، بیش از سایر دانشگاه‌هاست.

۳-۱ علاقه دانشجویان به دروس ارائه شده (نشده) در دوره کارشناسی ارشد اقتصاد

نکات بسیار تأمل‌برانگیزی درباره زمینه علاقه دانشجویان به واحدهای درسی وجود دارد (جدول ۱). علاقه شگفت‌انگیز این افراد به اقتصاد ایران می‌تواند در فرآیند بازنگری آموزش علم اقتصاد در ایران نقش مهمی را ایفا کند. چرا که در این مقطع تنها سه واحد به درس اقتصاد ایران اختصاص داده شده است. پس از اقتصاد ایران، بیشترین علاقه متوجه اقتصاد کلان است؛ چنین نتیجه‌ای دور از انتظار نبود. از سوی دیگر میزان علاقه آنها به اقتصاد خرد هم جالب توجه است. در خصوص اقتصاد توسعه نیز اگر چه علاقه زیادی به آن ابراز نشده است اما دانشجویان اعلام کرده‌اند که تا حدی به این درس نیز علاقه‌مند هستند. بنابراین با

توجه به اینکه ایران کشوری در حال توسعه است باید رویکرد بهتری برای ارائه این درس در دانشکده‌های اقتصاد ایران اتخاذ نمود. برای مثال در برخی از دانشکده‌های اقتصاد ایران در دوره تحصیلات تکمیلی اصلاً درسی با عنوان اقتصاد توسعه ارائه نمی‌شود. از سوی دیگر در دانشکده‌های اقتصاد دانشگاه تهران، علامه طباطبایی و تربیت مدرس هم درس اقتصاد توسعه صرفاً برای برخی از گرایشهای خاص ارائه شده و برای مثال دانشجویان دوره کارشناسی ارشد اقتصاد نظری چنین واحد درسی را هرگز نمی‌گذرانند. میزان علاقه‌مندی دانشجویان به درس اقتصاد سنجی نیز درخور توجه خاصی است. اما چنانکه می‌دانیم مباحثی که امروز در دانشکده‌های اقتصاد ایران در خصوص اقتصاد سنجی ارائه می‌شود تا حد زیادی با آنچه در دانشکده‌های اقتصاد شاخص جهان تدریس می‌شود فاصله دارد و از سوی دیگر در برخی موارد تدریس‌های انجام شده در دوره کارشناسی ارشد حتی به میزانی نیست که نیاز دانشجویان برای انجام پایان‌نامه کارشناسی آنان را رفع نماید.^{۱۱}

نتایج مربوط به علاقه افراد به اقتصاد اسلامی نیز جلب توجه می‌کند؛ بیشترین میزان بی‌علاقگی در میان دانشجویان مورد بررسی این پژوهش مربوط به اقتصاد اسلامی بوده است. در دانشگاه تهران و تربیت مدرس نزدیک به ۶۰ درصد از دانشجویان به درس اقتصاد اسلامی علاقه‌مند نیستند. این در حالی است که نزدیک به ۸۵ درصد از دانشجویان دانشکده امام صادق علاقه بسیار زیادی به واحد درسی اقتصاد اسلامی دارند. در دانشکده اقتصاد شیراز در دوره ارشد واحد درسی اقتصاد اسلامی ارائه نمی‌شود و دانشجویان این دانشکده هم در این خصوص موضعی نداشتند.

اقتصاددانان آموزش داده می‌شوند تا عملکرد نیروهای اقتصادی را در چارچوب محدودیتهای سیاسی، اجتماعی و اخلاقی بررسی نمایند. نکته عجیب و در عین حال مهم این است که ۵۰ درصد از پاسخ‌دهندگان علاقه چندانی به اقتصاد سیاسی ندارند و این مساله می‌تواند تا حدی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. با اینکه درصد علاقه دانشجویان در دانشکده اقتصاد علامه طباطبایی نسبت به اقتصاد سیاسی جالب توجه (بیش از ۵۰ درصد) است اما این واحد درسی در این دانشکده اقتصاد ارائه نمی‌شود. بنابراین شاید بهتر باشد که استادان دوره تحصیلات تکمیلی این دانشکده توجه خاصی به این مساله مبذول دارند. برای مثال بررسی آرای هیرشمن وقتی که او اقتصاد را به موضوعات سیاسی از طریق "اعتراض" و "خروج" پیوند می‌زند

پل استریتن می‌گوید که "به نظر من بهتر است بعضی از جنبه‌های فنی اقتصاد را ... که این قدر بر آنها اصرار ورزیده می‌شود (و بعدها می‌توان آنها را آموخت) به نفع اجباری کردن موضوعاتی نظیر علوم

^{۱۱} در این خصوص رجوع کنید به مقاله: شاهرادی، اکبر؛ "بررسی تحلیلی محتوای درس اقتصاد سنجی در کشور در مقایسه با سایر کشورهای جهان"، ۱۳۸۱. اولین مجموعه مقاله‌های همایش دستاوردهای آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد در ایران، ۱۳۸۱. دانشکده اقتصاد علامه طباطبایی.

سیاسی و تاریخ عقاید اقتصادی نادیده بگیریم. به نظر می رسد این "دروس برای پرورش و آموزش اقتصاددان بهتر هستند" (استریتن، ۱۱۹).

میزان علاقه مندی دانشجویان به سایر دروس در جدول (۱) ارائه شده است. لازم به ذکر است که آنچه در خصوص این جدول بیان شد کاملاً گزینشی بود. البته می توان در خصوص هر یک از این دروس به تفصیل بحث کرد.

جدول ۱: علاقه دانشجویان به دروس مختلف (درصد)

بی علاقه	تا حدودی علاقمند	علاقه زیاد	زمینه
۱۲.۲	۴۵.۹	۴۱.۸	اقتصاد خرد
6.7	59.4	۳۳.۷	تجارت بین الملل
29.2	56.9	13.8	اقتصاد کار
27.3	43.6	29.1	اقتصاد شهری
27	30.1	42.8	تاریخ عقاید اقتصادی
19.4	41.7	38.8	تاریخ اقتصادی
24.6	45.4	29.8	نظام های اقتصادی
6.5	24.6	68.8	اقتصاد کلان

23.2	57.1	19.6	مالیه عمومی
28.8	46.6	24.4	اقتصاد مدیریت
17.6	49	33.3	اقتصاد توسعه
41.6	18.7	39.6	اقتصاد سیاسی
24	44	32	اقتصاد صنعتی
18.1	45	36.4	برنامه ریزی اقتصادی
18.5	38.4	43.1	اقتصاد سنجی
14.5	50.9	34.5	پول و بانکداری
28.3	54.7	16.9	حقوق و اقتصاد
28.5	47.6	23.8	اقتصاد ریاضی
44.7	25.5	29.7	اقتصاد اسلامی
4.6	15.3	80	اقتصاد ایران
17.8	28.5	53.6	ارزیابی طرحهای اقتصادی

۳-۲ عوامل موفقیت از دیدگاه دانشجویان

در تصور دانشجویان درباره عوامل موفقیت، مطالب قابل توجهی دیده می‌شود (جدول ۲). برای رسیدن به موفقیت در آینده، دانشجویان سه عامل را مهمتر از بقیه موارد می‌دانند: علاقمند و متخصص بودن در انجام تحقیقات تجربی اقتصادی؛ تسلط بر زبان خارجی؛ و دسترسی به بانکهای اطلاعاتی، کتب، و مقالات. در مقابل، معتقدند که تخصص در ریاضیات و داشتن شغل در مؤسسات دولتی تأثیر چندانی در موفقیت آتی آنها ندارد. اما نخبگی در حل مسایل درسی اگر چه خیلی مهم تلقی نشده اما بر اساس نظر پرسش‌شوندگان عامل مهمی در موفقیت آنها می‌باشد.

دسترسی به بانکهای اطلاعاتی و مقالات معتبر در اغلب دانشکده‌های اقتصاد ایران (به جز شریف) تقریباً کار دشواری است. برای مثال اغلب بانکهای اطلاعاتی که در دانشکده‌های اقتصاد تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس و الزهرا وجود دارد به دو سال آخر مقالات منتشر شده در ژورنالهای برتر اقتصادی دسترسی ندارند. بدون شک وجود مقالات بنیادین و دسترسی به آنها می‌تواند باعث ارتقای سطح کیفی و کمی مباحث مطروحه در پایان‌نامه‌های دانشجویی شود. در این خصوص دکتر مسعود درخشان در مقاله‌ای که در اولین همایش دستاوردهای آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد در ایران ارائه نموده اند چنین ذکر می‌کنند: "در دوره های ... کارشناسی ارشد باید از مقالات علمی چاپ شده استفاده کرد. ناگفته نماند که مقالات علمی نیز حداقل ۲ یا ۳ سال از مرز دانش عقب‌تر است. حدود یکسال طول می‌کشد که مقاله‌ای چاپ شود یک سال هم صرف تدوین آن مقاله شده است. در این مدت مرز دانش جلوتر رفته است". درخشان پارا

فراتر گذاشته و می‌گوید که "از این رو باید به مقالات و پژوهشهایی نیز توجه کرد که هنوز به چاپ نرسیده- اند و این موارد باید در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری مورد توجه ویژه باشند (درخشان، ۱۳۸۱:۲۹). نکته مهم دیگر این است که تسلط بر ریاضیات امروزه در دانشکده های شاخص دنیا یکی از عوامل موفقیت دانشجویان اقتصاد در مقطع تحصیلات تکمیلی به شمار می‌رود اما چنانکه می‌بینیم دانشجویان اقتصاد در ایران این موضوع را خیلی مهم نمی‌دانند. بنابراین شاید از رهگذر این مشاهدات بتوان ادعا کرد که علت عدم جذب دانشجویان ایرانی اقتصاد در دانشگاه های شاخص دنیا چیست؟^{۱۲}

از سوی دیگر بیش از ۵۶ درصد پاسخ دهندگان معتقدند که توانایی برقراری ارتباط با استادان مطرح و برجسته به عنوان یکی از عوامل اصلی موفقیت دانشجویان است و عجیب آنکه داشتن دانش گسترده درباره ادبیات اقتصادی و توانایی استفاده از آن تنها از سوی ۳۴.۲ درصد از دانشجویان خیلی مهم تلقی شده است اگر چه از نظر ۴۳.۱ درصد مهم می‌باشد. البته باز هم مشاهده می‌کنیم که شناخت نسبتاً کامل از اقتصاد ایران مورد تاکید قرار گرفته است که با آنچه در بالا در خصوص دروس مورد علاقه دانشجویان مطرح شد کاملاً سازگاری دارد.

تسلط بر کاربری اینترنت و نرم افزارهای اقتصادی نیز از عوامل موفقیت دانشجویان شمرده شده است و این در حالی است که اغلب در دانشکده‌های اقتصاد ایران در مقطع کارشناسی ارشد مجالی برای تدریس نرم افزارهای اقتصادی وجود ندارد.

جدول ۲: تصورات دانشجویان از عوامل موفقیت (درصد)

نمی‌دانم	بی‌اهمیت	مهم	خیلی مهم	
۰	۲۴.۲	۵۴.۵	۲۱.۲	نخبگی در حل مسائل درسی
۰	۰	۳۳.۳	۶۶.۶	علاقمند و متخصص بودن در انجام تحقیقات تجربی اقتصادی
۱.۴	۲۲.۸	۶۸.۵	۷.۱	متخصص در ریاضیات
۰	۷.۶	۴۳.۱	۴۹.۲	داشتن دانش کافی در مورد یک زمینه مشخص اقتصادی
۰	۹.۶	۳۳.۸	۵۶.۴	توانایی برقراری ارتباط با استادان مطرح و برجسته
۲.۸	۱۵.۷	۴۷.۱	۳۴.۲	داشتن دانش گسترده ای درباره ادبیات اقتصادی و

^{۱۲}. یافته و شنیده‌های نویسندگان این مقاله حاکی از این است که در طی سالهای اخیر تنها یک نفر از فارغ التحصیلان رشته اقتصاد توانسته وارد دوره دکتری دانشکده‌های شاخص دنیا شود. در سایر موارد دانشجویان ایرانی که وارد دوره دکتری این دانشکده‌های شاخص شده‌اند اغلب دارای مدرک کارشناسی مهندسی یا کارشناسی ارشد MBA بوده‌اند.

توانایی استفاده از آن				
۰	۹.۴	۳۱.۱	۵۹.۴	شناخت نسبتاً کامل از اقتصاد ایران
۰	۴.۱	۲۹.۷	۶۶.۲	تسلط بر زبان خارجی
۰	۵.۴	۳۶.۵	۵۸.۱	تسلط بر اینترنت و نرم افزارهای اقتصادی
۲.۷	۰	۲۹.۷	۶۷.۵	دسترسی به بانکهای اطلاعاتی، کتب و مقالات
۱۱.۴	۳۲.۸	۴۱.۴	۱۴.۳	داشتن شغل در موسسات دولتی

۳-۳ سایر یافته‌های کلی

یکی از سؤالات بدین صورت مطرح شده بود: « آیا عناصر دوره کارشناسی ارشد (که در جدول ذکر شده- اند) برای شما تنش یا استرس ایجاد کرده است؟» نتایج مربوط به این پرسش در جدول ۳ نشان داده شده است. تنش‌زاترین مورد، پیدا کردن موضوع پایان‌نامه می‌باشد. ایفای نقش مفید در جامعه در مقام یک اقتصاددان و تضاد میان محتویات دروس و علایق دانشجویان نیز مواردی هستند که بیش از بقیه فکر این افراد را به خود مشغول کرده‌اند. در طرف مقابل، مسایلی مانند ریاضیات و ارتباط با استادان، برای این دانشجویان تنش‌زا نبوده است.

جدول ۳: عوامل تنش‌زا در دوره کارشناسی ارشد (درصد)

تنش‌زا نبوده است	تا حدی تنش‌زا	تنش‌زا	خیلی تنش‌زا	
۴۲.۱	۳۹.۱	۱۷.۳	۱.۴	کار کلاسی
۵۱.۵	۱۹.۷	۱۶.۶	۱۲.۱	وضعیت مالی شما
۵۶.۲	۲۹.۶	۷.۸	۶.۲	ارتباط با استادان
۵۷.۸	۲۹.۷	۹.۳	۳.۱	ریاضیات
۱۰.۹	۳۸.۳	۳۰.۱	۲۰.۵	پیدا کردن موضوع پایان‌نامه
۲۵.۹	۲۷.۷	۲۲.۲	۲۴.۱	ایفای نقش مفید در جامعه در مقام یک اقتصاددان

۳۴.۴	۲۶.۲	۲۶.۲	۱۹	تصادو ناسازگاری میان محتویات دروس ارائه شده و علائق شما
------	------	------	----	--

درباره رتبه دانشکده‌های اقتصاد در ایران و جهان نیز پاسخ‌های جالبی وجود داشت. دانشجویان دانشگاه های شهید بهشتی، تهران، شریف، و علامه طباطبایی قاطعانه معتقد بودند که دانشکده‌های آنها از سایر دانشکده‌های اقتصاد در ایران بهتر است. در ارتباط با رتبه در جهان نیز نظرات متفاوتی ابراز شده بود ولی ۴۰٪ از کل دانشجویان در نمونه ما معتقد بودند که رتبه دانشگاه آنها در جهان بالاتر از ۱۰۰۰ است. نکته جالب اینست که حدود ۱۶٪ از دانشجویان این رتبه را بین ۱ تا ۲۰۰ می‌دانستند. بیشترین اتفاق آرا در این مقوله مربوط به دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس بود؛ از طرفی بیشتر آنها معتقد بودند که دانشکده آنها در ایران در رتبه سوم قرار دارد، و از طرف دیگر کاملاً متفق‌القول بودند که رتبه آنها در جهان بالاتر از ۱۰۰۰ است.

۴- مشخصات برنامه‌های تحصیلات تکمیلی در دانشکده‌های اقتصاد ایران

این پژوهش علاقه‌مندی‌های دانشجویان دوره کارشناسی ارشد اقتصاد را در طی همین دوران مورد بررسی قرار می‌دهد نه بعد از اتمام این دوره که آنها دارای تجربه شده‌اند. آنچه در جدول (۴) آمده است نشان می‌دهد که دانشکده‌های اقتصاد ایران دارای ویژگی‌های کاملاً متفاوتی در دوره کارشناسی ارشد هستند. برای مثال این تفاوتها به روشنی در پاسخ به سوالاتی در مورد اقتصاد به عنوان یک علم مشخص می‌شود. البته با توجه به اینکه برنامه آموزشی تمامی دانشکده‌های اقتصاد ایران در دوره تحصیلات تکمیلی تقریباً یکسان است و همگی آنها از سر فصل‌های خاصی پیروی می‌کنند انتظار نمی‌رود که اختلاف‌های قابل توجه در میان آنان وجود داشته باشد. اما ممکن است وجود استادانی با عقاید و ایدئولوژی‌های مختلف اقتصادی، نظر دانشجویان را نیز تحت تاثیر قرار دهد.

نکته جالب توجه این است که ۴۶.۱۵ درصد معتقدند که نظریه‌های جریان اصلی علم اقتصاد برای حل مشکلات اقتصادی فعلی ایران مناسب نیست و کاملاً با این موضوع مخالف هستند. البته در این میان مخالفت ۱۰۰ درصدی دانشجویان دانشکده اقتصاد تربیت مدرس، ۸۵.۵ درصدی فردوسی مشهد، ۷۱ درصدی علامه طباطبایی و ۶۶ درصدی امام صادق نیز می‌تواند جالب توجه باشد. مخالفت دانشجویان دانشکده اقتصاد امام صادق شاید ناشی از ایدئولوژی حاکم بر این دانشگاه است. بدون شک یکی از دلایل این موضوع در دانشکده اقتصاد علامه طباطبایی حضور اقتصاددانان طرفدار نهادگرایی و همینطور افراد طرفدار اقتصاد غیرمتعارف می‌باشد. در این دانشکده اقتصاد حضور استادانی نظیر دکتر میدری با رویکرد انتقادی نسبت به جریانهای نظیر اجماع واشنگتنی که برخاسته از جریان اصلی علم اقتصاد هستند و علاقه شدید به مباحث

هزینه‌های مبادله و سیاست‌های تجربه‌گرایی در اقتصاد، دکتر ستاری فر با بینش خاصی در مورد نهادگرایی، دکتر فرشاد مومنی با طرفداری از اقتصاددانان نهادگرایی همچون نورث و شیوه اثرگذاری این استادان در فضای این دانشکده (برای مثال حضور آنها در دفتر مطالعات دانشجویان و برگزاری جلساتی در این خصوص) از عوامل مهم در این زمینه می‌باشد. البته بررسی دلایل مربوط به سایر دانشکده‌های اقتصاد هم می‌تواند جالب باشد. این موضوع می‌تواند این سوال را ایجاد کند که آیا نباید یک بازبینی در دروس ارائه شده برای دانشجویان صورت گیرد. چرا که آنچه امروز در دانشکده‌های اقتصاد ایران تدریس می‌شود اغلب همان نظریه‌های جریان اصلی علم اقتصاد است.

جدول ۴- بررسی اقتصاد به عنوان یک علم (درصد)

کل	فردوسی مشهد	تربیت مدرس	امام صادق	الزهرای	شیراز	شریف	شهید بهشتی	علامه طباطبایی	تهران	
نظریه‌های جریان اصلی علم اقتصاد برای حل مشکلات اقتصادی فعلی جهان مناسب است										
۶.۴	۰	۰	۱۶	۰	۰	۱۴.۲	۲۰	۰	۷.۱	کاملاً موافق
۵۲.۵	۷۱	۳۰	۱۶	۵۰	۵۷.۱	۲۸.۵	۶۰	۵۷	۶۴.۲	تا حدی موافق
۲۳.۰۷	۲۸.۵	۷۰	۵۰	۰	۰	۲۸.۵	۲۰	۲۸.۵	۲۱.۴	مخالف
۶.۴	۰	۰	۱۶	۰	۱۴.۲	۱۴.۲	۰	۱۴.۲	۷.۱	عقیده مشخصی ندارم
نظریه‌های جریان اصلی علم اقتصاد برای حل مشکلات اقتصادی فعلی ایران مناسب است										
۵.۱۲	۰	۰	۰	۱۰	۱۴.۲	۱۴.۲	۳۰	۰	۰	کاملاً موافق
۲۹.۴	۱۴.۲	۰	۱۶	۶۰	۰	۷۱.۴	۳۰	۲۸.۵	۲۸.۵	تا حدی موافق
۴۶.۱۵	۸۵.۶	۱۰۰	۶۶	۰	۱۴.۲	۰	۴۰	۷۱	۵۰	مخالف
۵.۱۲	۰	۰	۱۶	۰	۰	۰	۰	۰	۱۴.۲	عقیده مشخصی ندارم
اقتصاددانان در مورد اصول بنیادین علم اقتصاد توافق دارند										
۷.۶	۰	۰	۰	۰	۱۴.۲	۱۴.۲	۲۰	۰	۱۴.۲	کاملاً موافق
۴۸.۷	۴۲	۵۰	۳۳	۶۰	۷۱.۴	۴۲	۳۰	۵۷	۵۰	تا حدی موافق
۲۸.۴	۵۷.۱	۵۰	۵۰	۴۰	۱۴۷.۲	۴۲	۴۰	۲۸.۵	۲۸.۵	مخالف
۵.۱۲	۰	۰	۱۶	۰	۰	۰	۱۰	۱۴.۲	۷.۱	عقیده مشخصی ندارم
می‌توان یک مرز مشخص میان اقتصاد دستوری و اثباتی ترسیم نمود										
۹	۰	۱۰	۹.۵	۱۰	۰	۲۸.۵	۲۰	۰	۰	کاملاً موافق
۲۵.۱	۰	۵۰	۳۳	۷۰	۲۸.۵	۵۷.۱	۴۰	۲۸.۵	۱۴.۲	تا حدی موافق
۳۴.۶	۴۲	۲۰	۳۳	۱۰	۵۷.۱	۱۴.۲	۲۰	۴۲.۸	۶۴.۲	مخالف
۱۵.۴	۱۴.۲	۲۰	۱۶	۱۰	۱۴.۲	۰	۲۰	۲۸.۵	۱۴.۲	عقیده مشخصی ندارم

یادگیری علم اقتصاد به معنای فرا گرفتن مجموعه‌ای از ابزارهاست										
۱۷.۹	۴۲	۲۰	۱۶	۰	۰	۱۴.۲	۱۰	۵۷	۱۴.۳	کاملاً موافق
۳۳.۳	۰	۴۰	۳۳	۳۰	۵۷.۱	۲۸.۵	۴۰	۲۸.۵	۳۵.۷	تا حدی موافق
۲۴.۳	۰	۰	۵۰	۴۰	۰	۲۸.۵	۵۰	۰	۳۵.۷	مخالف
۱۰.۲	۰	۴۰	۰	۰	۰	۱۴.۲	۰	۱۴.۲	۱۴.۳	عقیده مشخصی ندارم
در میان سایر علوم اجتماعی، اقتصاد علمی ترین رشته به شمار می رود										
۱۷.۹	۰	۲۰	۱۶	۰	۰	۷۱.۴	۱۰	۱۴.۲	۲۸.۵	کاملاً موافق
۳۰	۲۸.۵	۵۰	۰	۲۰	۴۲	۰	۴۰	۲۸.۵	۴۲.۸	تا حدی موافق
۲۴.۳	۰	۱۰	۶۶	۱۰	۴۲	۱۴.۲	۱۰	۱۴.۲	۲۱.۴	مخالف
۱۴.۱	۰	۲۰	۱۶	۰	۰	۱۴.۲	۴۰	۲۸.۵	۷.۱	عقیده مشخصی ندارم

جدول (۴) نشان‌دهنده بینش دانشجویان دوره کارشناسی ارشد نسبت به وضعیت علم اقتصاد است. اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان معتقدند که به سختی می‌توان یک مرز مشخص میان اقتصاد دستوری و اثباتی ترسیم نمود و همچنین در مورد اینکه آیا اقتصاددانان در مورد اصول بنیادین علم اقتصاد توافق قطعی دارند نیز اجماع چندان محکمی در میان دانشجویان وجود ندارد.

جدول ۵: بینش دانشجویان در مورد موضوعات سیاستی مختلف (درصد)

کل	فردوسی مشهد	تربیت مدرس	امام صادق	الزهرا	شیراز	شریف	شهید بهشتی	علامه طباطبایی	تهران	
سیاست مالی می‌تواند ابزار مناسبی در اجرای یک سیاست تثبیت اقتصادی باشد										
۹	۱۴.۲	۲۰	۰	۰	۱۴.۲	۱۴.۲	۰	۰	۱۴.۳	کاملاً موافق
۴۸.۷	۲۸.۵	۶۰	۶۶	۰	۴۲	۴۲	۷۰	۴۲	۷۱.۴	تا حدی موافق
۱۵.۳	۲۸.۵	۱۰	۱۶	۰	۰	۴۲	۳۰	۱۴.۲	۷.۱	مخالف
۶.۴	۱۴.۲	۰	۱۶	۰	۲۸.۵	۰	۰	۱۴.۲	۷.۱	عقیده مشخصی ندارم

بانک مرکزی باید نرخ ثابتی را برای رشد عرضه پول مشخص و حفظ نماید										
۲۵۶	۰	۱۰	۱۶	۰	۵۷.۵	۵۷.۱	۵۰	۲۸.۵	۴۲.۸	کاملا موافق
۳۵.۸	۵۷.۱	۸۰	۳۳	۰	۲۸.۵	۱۴.۲	۲۰	۱۴.۲	۳۵.۷	تا حدی موافق
۱۰.۲	۱۴.۲	۰	۳۳	۰	۰	۱۴.۲	۱۰	۰	۷.۱	مخالف
۱۴	۱۴.۲	۱۰	۱۶	۰	۱۴.۲	۱۴.۲	۲۰	۲۸.۵	۱۴.۳	عقیده مشخصی ندارم
توزیع درآمد باید با تساوی (عدالت) بیشتری همراه باشد										
۴۳.۵	۰	۹۰	۸۳	۵۰	۱۴.۲	۲۸.۵	۴۰	۰	۵۷.۱	کاملا موافق
۳۰.۷	۴۲	۱۰	۱۶	۵۰	۴۲	۲۸.۵	۴۰	۲۸.۵	۲۱.۴	تا حدی موافق
۱۸.۸	۴۲	۰	۰	۰	۲۸.۵	۴۲	۱۰	۴۲	۱۴.۳	مخالف
۲.۵	۰	۰	۰	۰	۱۴.۲	۰	۰	۰	۷.۱	عقیده مشخصی ندارم
اعمال حداقل دستمزد، بیکاری را در میان جوانان و کارگران بدون مهارت افزایش می دهد.										
۳۰.۷	۰	۲۰	۰	۵۰	۵۷.۷	۵۷.۱	۴۰	۲۸.۵	۲۱.۴	کاملا موافق
۳۷	۲۸.۵	۵۰	۸۳	۳۰	۴۲	۱۴.۲	۲۰	۲۸.۵	۴۲.۸	تا حدی موافق
۲۰.۵	۴۲	۲۰	۱۶	۲۰	۰	۱۴.۲	۳۰	۱۴.۲	۲۱.۴	مخالف
۵	۱۴.۲	۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۴.۳	عقیده مشخصی ندارم
تعرفه ها و محدودیتهای وارداتی، رفاه عمومی اقتصادی را کاهش می دهند										
۳۳	۵۷.۱	۱۰	۰	۳۰	۴۲	۵۷.۱	۲۰	۲۸.۵	۴۲.۸	کاملا موافق
۴۲	۰	۵۰	۵۰	۵۰	۴۲	۲۸.۵	۷۰	۴۲	۲۵.۷	تا حدی موافق
۱۱.۵	۲۸.۵	۳۰	۳۳	۱۰	۰	۱۴.۲	۰	۰	۰	مخالف
۶.۴	۰	۱۰	۰	۱۰	۰	۰	۱۰	۰	۱۴.۳	عقیده مشخصی ندارم
تورم یک پدیده کاملا پولی است										
۲۰.۵	۱۴.۲	۳۰	۱۶	۳۰	۰	۴۲	۱۰	۱۴.۲	۷.۱	کاملا موافق
۳۵	۱۴.۲	۲۰	۱۶	۱۰	۴۲	۴۲.۲	۲۰	۱۴.۲	۲۸.۳	تا حدی موافق
۴۲	۴۲	۰	۶۶	۶۰	۴۲	۱۴.۲	۵۰	۴۲	۴۲.۸	مخالف
۹	۱۴.۲	۵۰	۰	۰	۱۴.۲	۰	۱۰	۰	۲۱.۴	عقیده مشخصی ندارم
سیاست کنترل دستمزد-قیمت باید برای کنترل تورم مورد استفاده قرار گیرد										
۱۹	۱۴.۲	۳۰	۶۶	۲۰	۰	۰	۲۰	۰	۲۱.۴	موافقم
۲۸	۲۸.۵	۲۰	۳۳	۴۰	۲۸.۵	۲۸.۵	۲۰	۱۴.۲	۳۵.۷	در برخی موارد موافق
۲۵.۶	۲۸.۵	۰	۰	۳۰	۱۴.۲	۵۷.۱	۳۰	۴۲	۲۸.۵	مخالف
۱۸	۱۴.۲	۵۰	۰	۰	۴۲	۰	۲۰	۱۴.۲	۱۴.۳	عقیده مشخصی ندارم
جهانی شدن فرایندی است که باید با آن همراه شد										

کاملاً موافق	۶۴.۲	۲۸.۵	۶۰	۵۷.۱	۰	۷۰	۰	۱۰۰	۴۲	۵۰
تا حدی موافق	۲۵.۷	۲۸.۵	۴۰	۴۲	۱۰۰	۲۰	۳۳	۰	۴۲	۳۸
مخالف	۰	۱۴.۲	۰	۰	۰	۱۰	۶۶	۰	۰	۷.۶
عقیده مشخصی ندارم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

با توجه به پاسخهای ارائه شده (در جدول ۵) از سوی دانشجویان دانشکده اقتصاد شریف می‌توان چنین برداشت کرد که این دانشکده اقتصاد در حال شکل‌دهی تفکری خاص در حوزه اقتصاد است. همانطور که از نتایج هم مشخص است ۴۲ درصد با این گزینه مخالف هستند که سیاست مالی می‌تواند ابزار مناسبی در اجرای یک سیاست تثبیت اقتصادی باشد، ۵۷ درصد معتقدند که بانک مرکزی باید نرخ ثابتی را برای رشد عرضه پول مشخص و حفظ نماید، ۴۲ درصد در پاسخ به این سوال که توزیع درآمد باید با تساوی (عدالت) بیشتری همراه باشد گزینه مخالف را انتخاب نموده‌اند و همینطور پاسخ آنها در مورد جهانی شدن و حذف تعرفه‌ها و موانع وارداتی نشان می‌دهد که برنامه این دانشکده تا حدی با دیگر دانشکده‌های اقتصاد ایران متفاوت است. البته تفاوت از این نظر که گویی یک همسویی در میان آرای استادان این دانشکده اقتصاد وجود دارد. به عبارتی می‌توان گفت که یک ایدئولوژی اقتصادی خاص بر افکار این دانشکده اقتصاد حاکم است.

در مورد این سوال که جهانی شدن فرایندی است که باید با آن همراه شد ۵۰ درصد از کل دانشجویان کاملاً موافق هستند. البته این نکته لازم به ذکر است که در هیچکدام از این دانشکده‌های اقتصاد مبحثی با عنوان جهانی شدن در فهرست دروس وجود ندارد^{۱۳}. اگر دانشکده اقتصاد امام صادق را کنار بگذاریم می‌توان گفت که در میان سایر دانشکده‌های اقتصاد ایران یک اجماع کلی در این مورد وجود دارد. اما نکته جالب در این خصوص این است که ۶۶ درصد از دانشجویان امام صادق با این گزاره مخالف می‌باشند و همچنین ۳۳ درصد از پاسخ دهندگان این دانشکده معتقدند که وجود تعرفه‌ها و موانع وارداتی موجب کاهش رفاه اقتصادی جامعه نمی‌شود. در همین حال ۸۳ درصد دانشجویان امام صادق کاملاً موافق توزیع عادلانه درآمد هستند.

^{۱۳}. به خاطر داریم که در سال ۱۳۸۲ که درسی با عنوان جهانی شدن در دانشکده اقتصاد علامه طباطبایی ارائه شد به علت عدم استقبال دانشجویان این کلاس تشکیل نشد.

جدول ۶: بکارگیری فروض اقتصادی مختلف در تحلیل (درصد)

کل	فردوسی مشهد	تربیت مدرس	امام صادق	الزهرا	شیراز	شریف	شهید بهشتی	علامه طباطبایی	تهران	
آزادی انتخاب										
۶۰	۷۱	۳۰	۶۶	۷۰	۵۷.۱	۵۷.۱	۷۰	۵۷	۶۴.۲	خیلی مهم
۲۵.۶	۱۴.۲	۳۰	۰	۳۰	۱۴.۲	۴۲	۳۰	۲۸.۵	۲۸.۵	مهم در برخی موارد
۲.۵	۰	۰	۲۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	بی اهمیت
۶.۴	۰	۲۰	۰	۰	۲۸.۵	۰	۰	۰	۷.۱	عقیده مشخصی ندارم
فرض رفتار عقلایی										
۵۰	۱۴.۲	۲۰	۵۰	۸۰	۷۱.۴	۵۷.۱	۶۰	۴۲.۸	۵۰	خیلی مهم
۲۴.۵	۷۱	۳۰	۱۶	۲۰	۲۸.۵	۴۲	۲۰	۴۲.۸	۴۲.۸	مهم در برخی موارد
۶.۴	۰	۱۰	۳۳	۰	۰	۰	۲۰	۰	۰	بی اهمیت
۴	۰	۲۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷.۱	عقیده مشخصی ندارم
رفتار اقتصادی براساس رسوم و پیمانها (conventions)										
۲۱.۷	۱۴.۲	۲۰	۳۳	۳۰	۰	۱۴.۲	۲۰	۴۲.۸	۲۱.۴	خیلی مهم
۲۴.۶	۴۲	۰	۱۶	۴۰	۴۲	۴۲	۵۰	۴۲.۸	۵۷	مهم در برخی موارد
۱۱.۵	۰	۰	۱۶	۱۰	۴۲	۱۴.۲	۲۰	۰	۷.۱	بی اهمیت
۱۸	۱۴.۲	۶۰	۰	۲۰	۱۴.۲	۲۸.۵	۱۰	۰	۷.۱	عقیده مشخصی ندارم
فرضیه انتظارات عقلایی										
۲۸	۰	۱۰	۱۶	۶۰	۲۸.۵	۴۲	۲۰	۴۲.۸	۲۸.۵	خیلی مهم
۴۷.۵	۰	۴۰	۱۶	۴۰	۷۱.۴	۴۲	۸۰	۱۴.۲	۵۷	مهم در برخی موارد
۱۱.۵	۴۲	۰	۵۰	۰	۰	۰	۰	۱۴.۲	۴.۱	بی اهمیت
۱۰.۲	۲۸.۵	۳۰	۱۶	۰	۰	۰	۰	۱۴.۲	۷.۱	عقیده مشخصی ندارم
رقابت ناقص										
۳۹.۷	۲۸.۵	۰	۳۳	۶۰	۱۴.۲	۷۱.۴	۳۰	۸۵.۷	۴۲.۸	خیلی مهم
۳۸.۴	۲۸.۵	۵۰	۵۰	۲۰	۷۱.۴	۲۸.۵	۶۰	۰	۴۲.۸	مهم در برخی موارد
۱۱.۵	۱۴.۲	۱۰	۱۶	۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	بی اهمیت
۹	۰	۲۰	۰	۱۰	۱۴.۲	۰	۱۰	۰	۱۴.۳	عقیده مشخصی ندارم
انعطاف ناپذیری قیمت										
۲۱.۷	۱۴.۲	۰	۰	۴۰	۵۷.۱	۲۸.۵	۲۰	۴۲.۸	۱۴.۳	خیلی مهم
۵۳	۲۸.۵	۶۰	۶۶	۵۰	۲۸.۵	۵۷.۱	۷۰	۴۲.۸	۶۴.۲	مهم در برخی موارد

۷.۶	۱۴.۲	۰	۳۳	۱۰	۰	۱۴.۲	۰	۰	۷.۱	بی اهمیت
۹	۱۴.۲	۲۰	۰	۰	۱۴.۲	۰	۱۰	۰	۱۴.۳	عقیده مشخصی ندارم
قیمت گذاری مارک آپ										
۱۵.۳	۱۴.۲	۰	۳۳	۴۰	۱۴.۲	۱۴.۲	۰	۲۸.۵	۷.۱	خیلی مهم
۴۳.۵	۴۲	۴۰	۳۳	۵۰	۷۱.۴	۲۸.۵	۵۰	۱۴.۲	۵۷	مهم در برخی موارد
۱۱.۵	۰	۲۰	۳۳	۱۰	۰	۲۸.۵	۰	۱۴.۲	۷.۱	بی اهمیت
۱۶	۲۸.۵	۲	۰	۰	۰	۱۴.۲	۴۰	۱۴.۲	۲۱.۴	عقیده مشخصی ندارم
هدف یک بنگاه سرمایه‌داری، کسب ارزش اضافی از کارگران (استثمار کارگران) خود است										
۱۲	۲۸.۵	۰	۰	۱۰	۲۸.۵	۰	۱۰	۲۸.۵	۱۴.۳	خیلی مهم
۲۸.۲	۱۴.۲	۲۰	۶۶	۵۰	۲۸.۵	۰	۵۰	۰	۲۸.۵	مهم در برخی موارد
۲۸.۲	۲۸.۵	۰	۱۶	۱۰	۲۸.۵	۸۵.۵	۲۰	۱۴.۲	۵۰	بی اهمیت
۲۱.۷	۱۴.۲	۶۰	۱۶	۳۰	۲۸.۵	۰	۱۰	۲۸.۵	۷.۱	عقیده مشخصی ندارم

چنانکه از ستون کل جدول (۴) مشخص است اغلب دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی فرضیه رفتار عقلایی را خیلی مهم می‌دانند (۵۰ درصد)، در حالیکه پاسخ آنها در مورد فرضیه انتظارات عقلایی نشان دهنده احتیاط بیشتر است. تنها ۲۸ درصد این فرضیه را خیلی مهم می‌دانند. در همین حال تنها ۱۵.۳ درصد فرضیه رقابت ناقص و ۲۱.۷ درصد هم انعطاف ناپذیری قیمت را خیلی مهم می‌دانند. اما فرضیه رقابت ناقص بالاتر قرار می‌گیرد. در این مورد ما تنها به ذکر شواهد اکتفا می‌کنیم هر چند که می‌توان با توجه به جداول فوق نسبت به هر یک از دانشکده‌های اقتصاد برداشت خاصی را ارائه کرد.

۴-۱ به کدامیک از مکاتب اقتصادی بیشتر علاقه مند هستند؟

جدول ۷: علاقه مندی به مکاتب اقتصادی (درصد)

مکتب تاریخی	اتریشی	تکاملی	نهادگرایی	پولی	کینزی جدید	کینزی	کلاسیک جدید	نئوکلاسیک	کلاسیک	
۶.۵	۱۰	۹	۲۳	۱۸	۳۰.۲	۱۸	۲۳	۱۴	۵	جمع

در این مورد دانشجویان دانشکده‌های اقتصاد علامه طباطبایی، تهران و امام صادق بیش از سایرین به مکتب نهادگرایی علاقه‌مند می‌باشند. اگرچه باید اقتصاد نهادگرا را مورد توجه قرار داد اما در اینجا به یک نکته مهم از زبان داردون عجم اغلو^{۱۴} برنده جایزه جان بتیس کلارک در سال ۱۹۹۵ و استاد دانشکده اقتصاد ام آی تی (MIT) اشاره می‌کنم؛ عجم اغلو در پاسخ به سوال خبرنگاری که از او می‌پرسد:

"اگر بخواهید به یک دانشجوی کارشناسی ارشد یا دکتری که علاقه‌مند به پژوهش در پرسش‌های مشابه در اقتصاد سیاسی باشد توصیه‌ای بکنید آیا سفارش می‌کنید که با رویکردهای سنتی نظریه اقتصادی شروع کند یا مستقیم به سراغ شاخه اقتصاد سیاسی برود؟" چنین پاسخ می‌دهد:

"همان‌طور که می‌دانید اینک افراد زیادی که وارد دانشکده‌های تحصیلات تکمیلی می‌شوند علاقه‌مند به نهادها و اقتصاد سیاسی هستند. و آنها می‌گویند اینها چیزهایی است که ما می‌خواهیم مطالعه کنیم. و توصیه من همیشه به آنها این بوده که خیر، شما باید ابتدا اقتصاد سنتی و نئوکلاسیکی‌تر را یاد بگیرید زیرا فقط با درک خوب این ابزارها است که می‌توان تحلیل محکم و مستدلی از مجموعه مسائلی که علاقه‌مند هستید انجام دهید.

در غیر این‌صورت بسیار دورتر از علم اقتصاد خواهید رفت و کارتان فاقد تئوری خواهد بود. نهادها، اوضاع سیاسی، دموکراسی، دیکتاتوری، توسعه‌نیافتگی، اینها چیزهایی هستند که افراد بسیاری درباره‌شان به گمانه‌زنی و نظرپردازی سرگرمند. نیویورک تایمز را بخوانید و می‌بینید توماس فریدمن درباره آن می‌نویسد، نیکولاس کریستوف در آن‌باره می‌نویسد. دپارتمان‌های جامعه‌شناسی درباره آن بحث می‌کنند. اما من معتقدم که ما اقتصاددان‌ها مجبوریم درباره آن به شیوه متفاوتی بحث کنیم. اینکه تئوری بیشتر و روش‌های مقداری بیشتری وارد بحث بکنیم. به همین علت است که برای انجام دادن این کارها باید ابتدا آموزش شاق و وحشتناکی را پشت سر بگذارید."

از سوی دیگر (بر طبق جدول ۷) علیرغم علاقه بسیار به مکتب کینزی جدید به نظر می‌رسد در هیچ یک از دانشکده‌های اقتصاد ایران، درباره این مکتب مطالب زیادی ارائه نمی‌شود و شاید بهتر باشد که استادان اقتصاد در ایران به این موضوع نیز نیم‌نگاهی داشته باشند.

۵- علاقه به اقتصاددانان داخلی و خارجی

^{۱۴} . Daron Acemoglu

۵-۱ کدامیک از اقتصاددانان ایرانی (متوفی یا زنده) مورد علاقه و احترام شما هستند؟ ویژگی آنها

چیست؟

در ابتدا لازم است که ذکر کنیم این سوال برای همه دانشجویان یکسان می‌باشد. در پاسخ به این سوال ۵۵ درصد از دانشجویان به اسامی اقتصاددانان مورد علاقه خود اشاره کردند که از این تعداد ۴۶ درصد از دکتر مسعود درخشان، ۳۷ درصد از مرحوم دکتر حسین عظیمی، ۱۳ درصد هم از دکتر تمدن جهرمی نام برده‌اند. در مورد دکتر درخشان به ویژگی‌هایی مانند دغدغه منافع ملی، دلسوزی، دانش وسیع اقتصادی و بینش عمیق در این حوزه، تحمل عقیده مخالف، شیوه تدریس، برخورد خوب با دانشجویان و اخلاق خوب و در مورد دکتر حسین عظیمی علاقه ایشان به توسعه اقتصادی ایران، وطن دوستی و وطن پرستی، درک صحیح از مساله توسعه و نظریه‌پردازی در این حوزه اشاره کرده‌اند. تقریباً تمامی دانشجویان امام صادق به نام دکتر مسعود درخشان اشاره کرده‌اند در حالیکه تقریباً می‌توان گفت که چند سالی هست که دیگر دکتر درخشان در این دانشکده حضور ندارد. در مورد دکتر مسعود درخشان باید گفت که علاوه بر موارد فوق می‌توان به شیوه تدریس اقتصاد سنجی توسط ایشان اشاره کرد که به گفته خودشان به شدت تحت تاثیر دیوید هندی بوده است. به گفته خودشان هندی " در خلال تدریس فرمول‌های خشک اقتصاد سنجی، همواره به کاستی‌ها و به جنبه‌های کاربردی و همپینی به متدلوژی اقتصاد سنجی توجه داشتند" (درخشان، ۱۳۸۲؛ ۱۳۰)^{۱۵}. شیوه تدریس ایشان نیز همینگونه است. در خصوص دکتر تمدن جهرمی هم می‌باید به این موضوع اشاره کنیم که از پاسخها چنین بر می‌آید که اغلب دانشجویان به واسطه تعاریفی که از استادان خود شنیده‌اند به ایشان علاقه‌مند می‌باشند. البته در سایر موارد از دکتر طبیبیان با ویژگی طرفداری از اقتصاد آزاد، دکتر مسعود نیلی با ویژگی بینش اقتصادی عمیق و طرفداری از اقتصاد بازار، دکتر موسی غنی نژاد به دلیل طرفداری از لیبرالیسم و تسلط بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد، دکتر داوودی، دکتر زالنور، دکتر محمد مهدی بهکیش، دکتر پژویان، دکتر فرشاد مومنی و دکتر محمد خوش‌چهره نام برده‌اند. البته این نکته لازم به ذکر است که دانشجویان دانشگاه مشهد و شیراز به این سوال پاسخ نداده‌اند.

۵-۲ کدامیک از اقتصاددانان خارجی (متوفی یا زنده) مورد علاقه و احترام شما هستند؟ ویژگی آنها

چیست؟

^{۱۵}. عظیمی، میکائیل، مطلق، محمد اسمعیل؛ سرگذشت یک علم، کالبد شکافی نظام آموزش علم اقتصاد در ایران، ۱۳۸۱، انتشارات کویر.

نزدیک به ۶۰ درصد به این سوال پاسخ داده‌اند. ۴۴ درصد از فریدمن با ویژگی دفاع از آزادی اقتصادی و سرمایه‌داری و مخالفت با حضور دولت، ۴۲ درصد از کینز به خاطر ظهور او در دوران بحران بزرگ و شناخت دقیق وضع موجود و در مواردی هم به فردریش هایک به خاطر دفاع از آزادی و اقتصاد بازار، جوزف استیگلیتز برای مخالفت با فرایند جهانی‌شدن، گری بکر به دلیل بکارگیری ابزار اقتصادی برای تحلیل همه مسائل از زاویه اقتصادی، آدام اسمیت، الیور بلانچارد، گریگوری منکیو، فون میزس و شومپیتر، باب لوکاس، مارکس و سیسموندی اشاره کرده‌اند. چنانکه از شواهد بر می آید گویی دانشجویان دوره کارشناسی ارشد اقتصاد ایران در موارد مشابهی هم کینز و هم فریدمن را مورد علاقه خود می‌دانند. باید به این نکته اشاره کنم که آنچه در سوال مورد نظر مطرح شده به معنای همسویی با عقاید و اندیشه‌های این اقتصاددانان نیست. چرا که ممکن است فردی هم به کینز علاقه‌مند باشد و هم به فریدمن اما با اندیشه‌های فریدمن موافق باشد. البته توجه به این موضوع بسیار مهم است که چرا فریدمن و کینز تا این حد در میان دانشجویان اقتصاد دوره تحصیلات تکمیلی در ایران مورد توجه هستند. شاید یکی از دلایل محبوبیت کینز و فریدمن این است که تمامی آنچه دانشجویان اقتصاد در دوران کارشناسی و تاحدی هم در کارشناسی ارشد خود می‌خوانند صرفاً به این دو اقتصاددان مطرح خلاصه می‌شود. از سوی دیگر در روزنامه‌های اقتصادی هم همواره روزنامه نگاران ایرانی به بحث و جدل در مورد این دو شخصیت تاثیر گذار اقتصادی می‌پردازند.^{۱۶}

نکته عجیب دیگر این است که اگر چه دانشجویان بسیاری در دانشکده‌های اقتصاد تهران و علامه طباطبایی به مکتب نهادگرایی به عنوان مکتب مورد علاقه خویش اشاره کرده‌اند اما در پاسخ به این سوال که اقتصاددان خارجی مورد علاقه آنها کیست هرگز نامی از اقتصاددانان نهادگرایی معروفی همچون داگلاس نورث به میان نیاورده‌اند. تحقیق و بررسی این موضوع نیز می‌تواند حاوی چند نکته مهم باشد که شاید تنها در این دو دانشکده آنهم به دلیل وجود جریان‌های غیر رسمی و خارج از چارچوب دروس ارائه شده این علاقه‌مندی بوجود آمده است؛ برای مثال در دانشکده اقتصاد علامه طباطبایی از طریق دفتر مطالعات دانشجویان و برگزاری جلساتی در مورد اقتصاد نهادگرایی و در دانشگاه تهران هم از طریق جهاد دانشگاهی و دانشجویان دکترای علاقه‌مند به این مکتب.

باید به این نکته اشاره کنیم که در پاسخ به هر دو سوال فوق بیش از ۵۰ درصد دانشجویان تنها به ذکر نام اقتصاددان اکتفا نموده‌اند و به ویژگی فرد مورد نظر خود اشاره نکرده‌اند. این امر می‌تواند ناشی از عدم

^{۱۶}. منظور این است که این مباحث مطروحه در این نهادها (جهاد دانشگاهی و دفتر مطالعات دانشجویان) جزء سر فصل دروس دانشگاهی ارائه شده به دانشجویان نمی‌باشند.

شناخت صحیح آنها نسبت به اقتصاددانان و یا ناتوانی آنها در بیان ویژگی اقتصاددانان مورد علاقه خود باشد.

نکته: اگر چه هدف از طرح دو سوال فوق همسویی تفکر دانشجویان با اقتصاددانان ایرانی و خارجی نبوده است اما از میان مشاهدات بدست آمده می توان به چند نکته دست یافت که صرفاً به آنها اشاره می کنم: اغلب کسانی که از دکتر حسین عظیمی به عنوان اقتصاددان مورد علاقه خود نام برده اند به مکتب نهادگرایی علاقه مند هستند. کسانی که به فون هایک اشاره کرده اند از دکتر طیبیان و غنی نژاد هم یاد کرده اند. حال کسانی که به نام دکتر عظیمی اشاره کرده اند از دکتر طیبیان، غنی نژاد و نیلی نام برده اند. در حالیکه اکثریت کسانی که به نام دکتر درخشان به عنوان اقتصاددان مورد علاقه خود اشاره کرده اند از دکتر عظیمی هم نام برده اند. باید دید وجه تشابه میان این دو استاد اقتصاد ایرانی چیست؟ بیشتر کسانی که به کینز علاقه مند هستند به مکتب کینزی یا کینزی جدید علاقه مند می باشند و در این میان برخی از آنها از استیگلیتز هم نام برده اند.^{۱۷}

۶- آیا شما فکر می کنید که اقتصاددانان در سیاستگذاری اقتصادی جامعه ایران نقش مهمی دارند؟ چرا؟

پیش از اینکه به پاسخ دانشجویان در این مورد اشاره کنم ذکر یک نکته می تواند مفید باشد. منظور ما از این سوال این بود که برآستی جایگاه اقتصاددانان در جامعه کجاست و چه کسی و چگونه جایگاه و نقش آنان را تعیین می کند؟ البته این مساله در تمامی کشورهای دنیا مورد بحث و بررسی قرار می گیرد و مختص جامعه ایران نیست.^{۱۸}

با توجه به این توضیح به پاسخ دانشجویان اشاره می کنم:

^{۱۷}. البته تصور نویسندگان مقاله این است که مرگ فریدمن و بحث و جدل بر سر نظریات او در ایام پر نمودن این پرسشنامه در درصد بالای آرا برای او بی تاثیر نبوده است.

^{۱۸}. دیوید کلندر کتابی دارد به نام " چرا اقتصاددانان به اندازه کارگران زیاده روبرو اهمیت ندارند؟". فرض کنید یک روز تمامی کارگران زیاده روبرو شهر (که از نظر اینجانب مهمترین شغل را دارند) در محل کار خود حاضر نشوند، برآستی چه اتفاقی خواهد افتاد؟ پاسخ به این سوال نه تنها مبهم نیست بلکه کاملاً روشن است: "جامعه فلج می شود و آلودگی تمام شهر را فرا می گیرد". اما حال فرض کنید که یک روز اقتصاددانان "سر کار خود" حاضر نشوند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ احتمالاً پاسخ بیشتر مردم جامعه به این سوال این خواهد بود: **هیچ اتفاقی نخواهد افتاد** و مسائل و مشکلات جامعه با حضور یا بدون حضور اقتصاددانان همان خواهد بود که بوده است. تنها شاید دانشکده های اقتصاد با مشکل مواجه شوند و دانشجویان از این امر آسیب ببینند. اما آیا برآستی اینچنین است؟ ایراد از علم اقتصاد است یا اقتصاددانان؟ یا از سیاستگذاران؟

۵۶ درصد از آنها معتقدند که اقتصاددانان ایرانی در سیاستگذاری اقتصادی نقشی ندارند. نکته جالب توجه این است که ۶۴ درصد از دانشجویان دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران به این سوال پاسخ منفی داده‌اند و این درحالی است که در زمان تهیه این پرسشنامه دکتر رهبر در سمت ریاست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، دکتر سبحانی و خوش چهره هم به عنوان سیاستگذار اقتصادی در مجلس شورای اسلامی و دکتر شیبانی به عنوان ریاست بانک مرکزی در این سمت حضور داشته‌اند. این گروه از دانشجویان معتقدند که تصمیمات سیاستگذاری اقتصادی در ایران اغلب به صورت سیاسی اتخاذ می‌شود و سیاستمداران چندان اهمیتی برای نظریات اقتصاددانان و علم اقتصاد قائل نیستند. این یافته تحقیق، مرا به یاد کتاب کلندر می‌اندازد. نکته مهم در بیانات دانشجویان این است که تنها بخش تقاضا برای استفاده از نظرات اقتصاددانان در سیاستگذاری را مورد توجه قرار می‌دهند و هیچ یک از پاسخها بخش عرضه نظرات کارشناسی اقتصاد و مشکلات آن را مورد توجه قرار نمی‌دهد.

البته لازم به ذکر است که اغلب در جلساتی هم که در دانشکده‌های اقتصاد با عنوان "نقش اقتصاددانان در سیاستگذاری" برگزار می‌شود این نکته به صراحت از جانب اقتصاددانان مورد تاکید قرار می‌گیرد که ما نقش چندان در سیاستگذاری اقتصادی نداریم. برای مثال دکتر جمشید پژویان در سخنرانی خود با عنوان "نقش اقتصاددانان در سیاستگذاریهای اقتصادی" در دانشکده اقتصاد علامه طباطبایی سخنرانی خود را چنین شروع می‌کند: "چرا نظرات کارشناسی و مباحثات اقتصادی در سیاست‌سازی‌ها و سیاستگذاری‌های اقتصادی موثر نبوده و نیست؟ چنانکه مشخص است ایشان معتقدند اقتصاددانان در فرایند برنامه‌ریزی و سیاستگذاری اقتصادی نقشی ندارند^{۱۹}. البته ۳۲ درصد هم اعتقاد دارند که اقتصاددانان در سیاستگذاری اقتصادی نقش دارند. ۵ درصد هم گفته‌اند که نمی‌دانیم.

۸- مهمترین مشکلات اقتصادی که امروزه جامعه ایران با آن روبرو است، کدامند؟

نزدیک به ۶۷ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند که بیکاری مساله و مشکل اصلی اقتصاد ایران در شرایط فعلی است. ۵۶ درصد اعتقاد دارند که مساله اقتصاد ایران فساد اقتصادی است و ۴۷ درصد هم تورم را مشکل اصلی اقتصاد ایران می‌نامند. نکته جالب توجه این است که ۳۵ درصد هم مشکل اقتصاد ایران را عدالت (اقتصادی) می‌دانند که در این میان دانشجویان دانشکده‌های اقتصاد تهران و امام صادق ۴۰ درصد

^{۱۹}. پژویان، جمشید؛ نقش اقتصاددانان در سیاستگذاریهای اقتصادی، مباحثات اقتصادی، نشست پنجم، ۱۱ خرداد ۱۳۸۴. در همین شماره از مباحثات اقتصادی می‌توانید به استدلال‌های اقتصاددانان همچون دکتر مسعود درخشان، حمید ناظم‌ان، احمد میدری و بایزید مردوخی در این خصوص نگاه کنید.

از این نسبت را به خود اختصاص داده‌اند. تنها در یک مورد، یکی از دانشجویان دانشگاه الزهرا مساله اقتصاد ایران را وابستگی اقتصاد به نفت ذکر کرده است.

۹- آیا مطالعه اقتصاد در تحلیل سیاسی شما تاثیری داشته است؟ توضیح دهید؟

بیش از ۸۰ درصد از دانشجویان به این سوال پاسخ مثبت داده‌اند. تنها ۹ درصد از دانشجویان به این سوال پاسخ منفی داده‌اند. اغلب دانشجویان معتقدند که تحلیل مسائل سیاسی با اقتصاد در هم آمیخته‌اند و بدون شک دانش اقتصادی آنان موجب ارتقای سطح تحلیل آنها شده است. نکته جالب توجه این است که علیرغم پاسخ مثبت قریب به اتفاق دانشجویان به این سوال اما تعداد ناچیزی از آنها به صراحت به مسائلی همانند "انتخاب عمومی" یا حوزه "اقتصاد سیاسی" اشاره می‌کنند. البته این امر می‌تواند ناشی از این امر باشد که برای مثال دروس مشخصی هم در این زمینه در دانشکده‌های اقتصاد ایران ارائه نمی‌شود.

۱۰- آیا برنامه تحقیقات اقتصادی ایران باید با دیگر نقاط جهان تفاوت داشته باشد؟

بیش از ۹۲ درصد از پاسخ‌دهندگان به این سوال پاسخ داده‌اند که در این میان ۶۳ درصد پاسخ مثبت، ۲۰ درصد پاسخ منفی و ۱۵ درصد هم اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند. دانشجویان دانشگاه تهران، ترتیب مدرس و شریف و شهید بهشتی به این سوال پاسخ مثبت داده‌اند.

دانشجویی از دانشگاه علامه طباطبایی: بله، راه رسیدن به وضعیت مناسب باید متناسب با وضعیت هر کشور باشد.

دانشجویی از دانشگاه امام صادق: خیر؛ زیرا مولفه‌های اسلامی باید در برنامه تحقیقاتی مد نظر قرار گیرد.

دانشجویی از دانشگاه تهران: بله، باید هدف برنامه معطوف به حل مشکلات توسعه ایران باشد.

دانشجویی از امام صادق: خیر، نظام آموزشی تابعی از متغیرهای فرهنگ، ساختار و درآمد یک جامعه است بنابراین باید متناسب با آن وضعیت باشد.

دانشجویی از دانشگاه الزهرا: بله، نسخه ثابتی برای توسعه همه کشورها وجود ندارد.

۱۱- آیا نظام آموزشی اقتصاد در ایران باید مشابه این نظام در اروپا و یا امریکا باشد؟ چرا؟

نزدیک به ۹۵ درصد از دانشجویان به این سوال پاسخ داده‌اند که ۴۷ درصد از آنها مثبت است. ۳۶ درصد پاسخ منفی داده‌اند و ۱۷ درصد هم گزینه نمی‌دانیم را انتخاب کرده‌اند. در میان کسانی که پاسخ منفی داده‌اند

دانشجویان دانشگاه امام صادق با ۱۰۰ درصد آرا پاسخ منفی داده‌اند و یا اظهار مخالفت نموده‌اند. در عوض در دانشگاه تهران بیش از ۵۵ درصد به این سوال پاسخ مثبت داده‌اند.

دانشجویی از دانشگاه علامه طباطبایی: بله، به دلیل موفق بودن این نظام در اروپا و امریکا. البته مطمئناً با مشکلات اجرایی همراه خواهیم بود.

دانشجویی از دانشگاه علامه طباطبایی: بله، زیرا اصول علم اقتصاد در تمام جهان یکسان است و فقط با استفاده از دیدگاه نهادگرایان باید آن اصول عام را بر وضعیت‌های خاص تطبیق داد.

دانشجویی از دانشگاه تهران: بله؛ ایران نباید از علم روز دنیا به دور باشد.

دانشجویی از دانشگاه الزهرا: بله، چرا که اقتصاد علمی است که پایه‌های ثابتی دارد. بنابراین پس از فراگیری کامل آن باید راهکارهای مناسب هر کشور را ارائه کرد.

۱۲- آیا شما هنگامی که به تحلیل موضوعی از منظر اقتصادی می‌پردازید تحلیل هزینه-فایده را مورد استفاده قرار می‌دهید؟

بیش از ۵۶ درصد از پاسخ دهندگان گفته‌اند که خیلی زیاد از تحلیل هزینه - فایده استفاده می‌کنند و ۴۱ درصد هم گفته‌اند در برخی موارد. ۳ درصد هم به این سوال پاسخ نداده‌اند.

۱۳- شما در هنگام فکر یا صحبت درباره مسایل غیر اقتصادی، از مفهوم "رفتار بهینه کننده فردی" استفاده می‌کنید؟

بیش از ۹۰ درصد به این سوال پاسخ داده‌اند که ۵۴ درصد گفته‌اند در موارد بسیاری از مفهوم رفتار بهینه-کننده فردی در مورد مسائل غیر اقتصادی در تحلیل خود استفاده می‌کنند. ۴۱ درصد هم گزینه «به ندرت» را انتخاب کرده‌اند.

۱۰- نتیجه گیری:

ما به دنبال این نیستیم که بگوییم آموزش علم اقتصاد در ایران خوب است یا بد. ما تنها به دنبال این بودیم که دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی چگونه آموزه‌های خود را از دانشکده‌هایشان می‌گیرند، از سوی دیگر می‌خواستیم تنها توضیح و تفسیر ممکن را برای وجود انگیزه‌های آنان ارائه نمائیم. اگر ما در تفسیر نتایج حاصل از این مطالعه درست عمل کرده باشیم، این انگیزه‌ها و پاسخ‌های دانشجویان نیز باید به عنوان بخشی از علم اقتصاد و همچنین ویژگی‌های اقتصادخوانان و اقتصاددانان ایرانی تلقی شود که به سایر زمینه‌های علم اقتصاد بستگی دارند که در این مطالعه مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

تلاش ما در این مقاله تنها فراهم نمودن داده‌هایی تجربی بود که به ما اجازه می‌دهد فرایند شکل‌گیری شخصیت اقتصاددانان ایرانی را بهتر درک کنیم. چنانکه از نتایج مطالعه نیز مشخص است تنوع بسیاری در میان آراء و عقاید دانشجویان اقتصاد کارشناسی ارشد ایرانی و همینطور برخی از دانشکده‌های اقتصاد وجود دارد. در برخی موارد دانشکده‌های شریف و امام صادق در دو سر طیف قرار می‌گیرند. چالش‌هایی جدی نیز در نظرات برخی از دانشجویان در مورد علم اقتصاد وجود دارد که برخی تاکید بیش از حد بر ریاضیات و تکنیک را مضر می‌دانند و برخی نیز آن را مفید تلقی می‌کنند. دانشجویان در مورد عوامل موفقیت خود بر موارد مختلفی تاکید می‌کنند و نکته جالب توجه این است که داشتن دانش گسترده در زمینه ادبیات اقتصادی را هم در این زمینه خیلی مهم نمی‌دانند. در پایان ذکر این نکته مهم است که هر یک از موارد فوق خود می‌تواند به صورت جداگانه مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

منابع و مآخذ:

- 1- Colander, David; Klamer, Arjo, "The Making of an Economist" *Journal of Economic Perspectives* v1, (Fall 1987) n2, pp. 95-111.
- ۲- Colander, David; "The Making of an Economist Redux", *Journal of Economic Perspectives* v19, (Winter 2005) n2, pp. 175-198.
- 3- Colander, David; *The Making of a European Economist*, <http://community.middlebury.edu/~colander/article/book4-2.htm>
- 4- Colander, David; "Why Aren't Economists as Important as Garbagemen?(1991) *Essays on the State of Economics. Amazon.com.*
- 5- Colander, David; "What Economists Teach and What Economists Do" (Summer 2005).
- 6- Colander, David; "The Aging of an Economist", (2005). <http://community.middlebury.edu/~colander/article/book4-2.htm>
- 7- Kuttner, Robert, "The Poverty of Economics," *The Atlantic Monthly*, February 1985, 74-84.
- 8- استریتن، پل؛ "مشکل رشته اقتصاد معاصر چیست؟" ترجمه یوسفی، محمد قلی، اقتصاد سیاسی همه جانبه، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۵.
- 9- درخشان، مسعود؛ "بررسی تطبیقی نظام آموزش علم اقتصاد در ایران و سایر کشورها"، مجموعه مقاله های اولین همایش دستاوردهای آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد در ایران، ص ۲۳-۳۳. ۱۳۸۱.

ضمیمه الف: پرسشنامه

به نام خدا

پیشینه

۱- سن:

جنس:

روزانه یا شبانه:

رتبه

کارشناسی ارشد:

محل تولد:

نوع دیپلم:

۲- شما دوره کارشناسی (لیسانس) خود را در کدام دانشگاه گذرانده‌اید؟

الف- سالهای آغاز و اتمام آنرا ذکر کنید:

ب- معدل دوره کارشناسی:

۳- آیا شما تحصیل در دوره کارشناسی ارشد را بلافاصله پس از پایان دوره کارشناسی خود شروع کرده

اید؟ بله خیر

اگر جواب منفی است، در این مدت مشغول انجام چه کاری بوده‌اید؟

خدمت سربازی فعالیتی مرتبط با رشته اقتصاد سایر:

دوره کارشناسی ارشد

۱- دوره کارشناسی ارشد را در کدام دانشگاه می‌گذرانید؟

۲- در سال چندم از دوره کارشناسی ارشد خود به سر می‌برید؟ دوم سوم چهارم یا

بالتر

۳- آیا شما قصد انتخاب دانشکده اقتصاد دیگری را داشتید؟ بله خیر بی تفاوت

اگر جواب مثبت است، کدام دانشکده اقتصاد؟

۴- شما چگونه دوره کارشناسی ارشد خود را تأمین مالی می‌کنید؟

□ خانوادهام مخارج من را تأمین می‌کند □ درآمد شخصی □ ترکیب □ دو □ مورد □ قبل □ سایر موارد:

۵- به نظر شما رتبه دانشکده اقتصاد شما در مقایسه با سایر دانشکده های اقتصاد ایران چند است؟
□ ۱ □ ۲ □ ۳ □ ۴ □ ۵ □ ۶ □ سایر:

۶- به نظر شما رتبه دانشکده اقتصاد شما در مقایسه با دانشکده های اقتصاد جهان چند است؟
□ بین ۱ تا ۲۰۰ □ بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ □ بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ □ بالاتر از ۱۰۰۰

۷- لطفا موارد زیر را بخوانید و عقیده فعلی خود را با دوره قبل از آغاز کارشناسی ارشد بررسی نمایید.
(۱- کاملاً موافق ۲- تا حدی موافق ۳- مخالف ۴- عقیده مشخصی ندارم)

کارشناسی				گزاره	ارشناسی ارشد			
۱	۲	۳	۴	نظریه‌های جریان اصلی علم اقتصاد برای حل مشکلات اقتصادی فعلی جهان مناسب است	۱	۲	۳	۴
۱	۲	۳	۴	نظریه‌های جریان اصلی علم اقتصاد برای حل مشکلات اقتصادی فعلی ایران مناسب است	۱	۲	۳	۴
۱	۲	۳	۴	اقتصاددانان در مورد اصول بنیادین علم اقتصاد توافق دارند	۱	۲	۳	۴
۱	۲	۳	۴	می‌توان یک مرز مشخص میان اقتصاد دستوری و اثباتی ترسیم نمود	۱	۲	۳	۴
۱	۲	۳	۴	یادگیری علم اقتصاد به معنای فرا گرفتن مجموعه‌ای از ابزارهاست	۱	۲	۳	۴
۱	۲	۳	۴	در میان سایر علوم اجتماعی، اقتصاد علمی ترین رشته به شمار می رود	۱	۲	۳	۴

۸- آیا عناصر دوره کارشناسی ارشد (در جدول زیر) برای شما تنش یا استرس ایجاد کرده است؟
(۱- خیلی تنش‌زا ۲- تنش‌زا ۳- تا حدی تنش‌زا ۴- تنش‌زا نبوده است)

۱	۲	۳	۴	کار کلاسی
۱	۲	۳	۴	وضعیت مالی شما
۱	۲	۳	۴	ارتباط با استادان
۱	۲	۳	۴	ریاضیات
۱	۲	۳	۴	پیدا کردن موضوع پایان نامه
۱	۲	۳	۴	ایفای نقش مفید در جامعه در مقام یک اقتصاددان

۴	۳	۲	۱	تضاد و ناسازگاری میان محتویات دروس ارائه شده و علایق شما
---	---	---	---	--

۹- شما چه چیزی را بیش از همه در مورد دوره کارشناسی ارشد دوست دارید؟

۱۰- شما از چه چیزی در مورد دوره کارشناسی ارشد متنفر هستید؟

۱۱- موارد زیر را بر حسب میزان علاقه‌تان به هر یک از آنها رتبه‌بندی نمایید.

(۱-علاقه بسیاری به آن دارم ۲-تا حدودی به آن علاقمندم ۳-به آن علاقه‌ای ندارم)

۳	۲	۱	اقتصاد سنجی	۳	۲	۱	اقتصاد کلان	۳	۲	۱	اقتصاد خرد
۳	۲	۱	پول و بانکداری	۳	۲	۱	مالیه عمومی	۳	۲	۱	تجارت بین الملل
۳	۲	۱	حقوق و اقتصاد	۳	۲	۱	اقتصاد مدیریت	۳	۲	۱	اقتصاد کار
۳	۲	۱	اقتصاد ریاضی	۳	۲	۱	اقتصاد توسعه	۳	۲	۱	اقتصاد شهری
۳	۲	۱	اقتصاد اسلامی	۳	۲	۱	اقتصاد سیاسی	۳	۲	۱	تاریخ عقاید اقتصادی
۳	۲	۱	اقتصاد ایران	۳	۲	۱	اقتصاد صنعتی	۳	۲	۱	تاریخ اقتصادی
۳	۲	۱	ارزیابی طرح‌های اقتصادی	۳	۲	۱	برنامه ریزی اقتصادی	۳	۲	۱	نظام های اقتصادی

شما می‌خواهید در کدامیک از موارد فوق‌الذکر متخصص شوید؟ (دلایلتان را ذکر کنید)

۱۲- به کدامیک از مکاتب زیر علاقه بیشتری دارید؟

کلاسیک نئوکلاسیک کلاسیک جدید کینزی کینزی جدید مکتب پولی
 نهادگرایی تکاملی اتریشی مکتب تاریخی

۱۳- آیا مطالعه اقتصاد در تحلیلهای سیاسی شما تأثیر داشته است؟ (توضیح دهید)

۱۴- فرض کنید شما را به زمان انتخاب رشته در سالهای قبل بازگردانند، آیا باز هم کارشناسی ارشد

اقتصاد را انتخاب خواهید کرد؟ بله خیر مطمئن نیستم

آیا به همین دانشکده می‌آیید؟ بله خیر مطمئن نیستم

اگر جوابتان منفی است، چرا، و تمایل داشتید به کدام دانشکده بروید؟

درباره اقتصاددان بودن

۱- کدامیک از اقتصاددانان خارجی (متوفی یا زنده) مورد علاقه و احترام شما هستند؟ ویژگی آنها چیست؟

الف- ویژگیها:

ب- ویژگیها:

ج- ویژگیها:

۲- کدامیک از اقتصاددانان ایرانی (متوفی یا زنده) مورد علاقه و احترام شما هستند؟ ویژگی آنها چیست؟

الف- ویژگیها:

ب- ویژگیها:

ج- ویژگیها:

۳- آیا شما فکر می‌کنید که اقتصاددانان در سیاستگذاری اقتصادی جامعه ایران نقش مهمی دارند؟

بله خیر نمی‌دانم

چرا؟

۴- کدامیک از مشخصات دانشجویان، آنها را در موقعیت خوبی (دارای آینده خوب) قرار می‌دهد؟

(۱- خیلی مهم ۲- مهم ۳- بی اهمیت ۴- نمی‌دانم).

۴	۳	۲	۱	نخبگی در حل مسائل درسی
۴	۳	۲	۱	علاقمند و متخصص بودن در انجام تحقیقات تجربی اقتصادی
۴	۳	۲	۱	متخصص در ریاضیات
۴	۳	۲	۱	داشتن دانش کافی در مورد یک زمینه مشخص اقتصادی
۴	۳	۲	۱	توانایی برقراری ارتباط با استادان مطرح و برجسته
۴	۳	۲	۱	داشتن دانش گسترده ای درباره ادبیات اقتصادی و توانایی استفاده از آن
۴	۳	۲	۱	شناخت نسبتا کامل از اقتصاد ایران
۴	۳	۲	۱	تسلط بر زبان خارجی
۴	۳	۲	۱	تسلط بر اینترنت و نرم افزارهای اقتصادی
۴	۳	۲	۱	دسترسی به بانکهای اطلاعاتی، کتب و مقالات
۴	۳	۲	۱	داشتن شغل در موسسات دولتی

اگر مشخصات دیگری را در ذهن دارید و یا نظری درباره موارد فوق دارید، بیان نمائید:

۵- عقیده شما در مورد یک اقتصاددان موفق چیست؟ (ویژگیهای او را مشخص نمایید)

۶- آیا مایل به ادامه تحصیل بعد از پایان دوره کارشناسی ارشد هستید؟ بله خیر
 مطمئن نیستم

اگر نه، شما چه برنامه‌ای دارید؟

۷- آیا تمایل دارید که پس از تحصیلات خود، یک شغل دانشگاهی داشته باشید؟ بله خیر
 مطمئن نیستم

اگر پاسختان مثبت نیست، دوست دارید چه شغل دیگری را در پیش بگیرید؟

۸- شما امیدوار هستید که ۱۰ سال بعد کجا باشید؟

در دانشگاه در یک نهاد سیاستگذاری در بخش خصوصی سایر موارد (مشخص کنید):

۹- ترجیح می‌دهید در چه کشوری کار کنید؟

۱۰- انگلیسی بودن زبان علم اقتصاد، تا چه اندازه کارایی شما را کاهش داده است؟

اثری ندارد کم متوسط زیاد خیلی زیاد

۱۱- اگر زبان علم اقتصاد، فارسی بود، انتظار داشتید چقدر درآمد شما نسبت به وضع کنونی افزایش یابد؟

افزایش نمی‌یابد کم متوسط زیاد

در مورد علم اقتصاد

۱- آیا شما با پیشنهادات زیر برای اقتصاد ایران موافق هستید؟

(۱- موافق ۲- در برخی شرایط موافقم ۳- مخالفم ۴- عقیده‌ای ندارم)

سیاست مالی می‌تواند ابزار مناسبی در اجرای یک سیاست تثبیت اقتصادی باشد	۱	۲	۳	۴
بانک مرکزی باید نرخ ثابتی را برای رشد عرضه پول مشخص و حفظ نماید	۱	۲	۳	۴
توزیع درآمد باید با تساوی (عدالت) بیشتری همراه باشد	۱	۲	۳	۴
اعمال حداقل دستمزد، بیکاری را در میان جوانان و کارگران بدون مهارت افزایش می‌دهد.	۱	۲	۳	۴
تعرفه‌ها و محدودیتهای وارداتی، رفاه عمومی اقتصادی را کاهش می‌دهند	۱	۲	۳	۴
تورم یک پدیده کاملاً پولی است	۱	۲	۳	۴
سیاست کنترل دستمزد-قیمت باید برای کنترل تورم مورد استفاده قرار گیرد	۱	۲	۳	۴
جهانی شدن فرایندی است که باید با آن همراه شد	۱	۲	۳	۴

۲- مهمترین موضوعات اقتصادی که امروزه جامعه ایران با آن روبرو است، کدامند؟

تورم بیکاری عدالت فساد اقتصادی سایر موارد:

۳- استفاده از فروض یا دیدگاه‌های زیر، چقدر برای انجام یک تحلیل اقتصادی اهمیت دارند؟

(۱- خیلی مهم ۲- مهم در برخی موارد ۳- بی اهمیت ۴- عقیده مشخصی ندارم)

۴	۳	۲	۱	آزادی انتخاب
۴	۳	۲	۱	فرض رفتار عقلایی
۴	۳	۲	۱	رفتار اقتصادی براساس رسوم و پیمانها (conventions)
۴	۳	۲	۱	فرضیه انتظارات عقلایی
۴	۳	۲	۱	رقابت ناقص
۴	۳	۲	۱	انعطاف ناپذیری قیمت
۴	۳	۲	۱	قیمت گذاری مارک_آپ
۴	۳	۲	۱	هدف یک بنگاه سرمایه‌داری، کسب ارزش اضافی از کارگران (استثمار کارگران) خود است

۴- آیا برنامه تحقیقات اقتصادی ایران باید با دیگر نقاط جهان تفاوت داشته باشد؟ بله خیر

نمی‌دانم

اگر بله، چرا؟

۵- آیا نظام آموزشی اقتصاد در ایران باید مشابه این نظام در اروپا و یا امریکا باشد؟ بله خیر

نمی‌دانم

چرا؟

۶- آیا شما هنگامی که به تحلیل موضوعی از منظر اقتصادی می‌پردازید تحلیل هزینه-فایده را مورد استفاده

قرار می‌دهید؟

خیلی زیاد در برخی موارد هرگز

۷- آیا شما در هنگام فکر یا صحبت درباره مسایل غیر اقتصادی، از مفهوم "رفتار بهینه کننده فردی" استفاده می‌کنید؟

در بسیاری از موارد به ندرت هرگز

نام شما (اختیاری):

این قسمت را در صورت تمایل، تکمیل نمایید

میزان تحصیلات مادر:	شغل مادر:
میزان تحصیلات پدر:	شغل پدر:

این تحقیق در فاصله ۵ تا ۱۰ سال آینده نیز یکبار دیگر انجام خواهد شد. بنابراین در صورت تمایل می توانید آدرس Email یا شماره تلفن خود را در اختیار ما قرار دهید تا در آن زمان نیز با شما ارتباط برقرار نمائیم.